

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
 دوره دهم، شماره ۸۵، چاپی ۸۸، صفحات ۷۳۸-۵-۱
 منتشر پای زومسن
 مقاله (مقاله) شده/وفادار/تیار علمی پژوهشی است
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲۰۰۰۰

نیکلاس لومان^۱

ترجمه دکتر حسن ملک



فارسی رسانه - نسخه جهانی مجله

رسانه و ارتباطات حوزه در الکترونیک مجله علمی-پژوهشی

ایران تهران، دانشگاه اجتماعی، علوم دانشکده توسط شده منتشر

www.gmj.ut.ac.ir

^۱ این متن ترجمه ای است از منبع زیر

Gerd Nollmann, 2005, Encyclopedia of Social Theory, Edited By George Reitzer, New York: Sage Publication, pp. 454-458.

مجله ج نی رسا ،
 و ۲، شمفر ۲، شماره ۲۲، ت ۱۷۳۲ ی ۱۸۵۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲۲۲
 مقاله د جویی (این قال داوری نشده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

چکیده

این مقاله به ایضاح نظریه سیستمی نیکلاس لومان جامعه‌شناس آلمانی می‌پردازد، که هم‌دوره شوتس و پارسونز بوده و موضع‌گیری متفاوتی در خصوص سیستم‌های اجتماعی اتخاذ می‌کند. از دیدگاه لومان سیستم‌های اجتماعی بر ساختارها بنا نشده‌اند، بلکه بر عناصر تعاملی و ارتباطی رویداد-محور (معمولا به "کنش" تقلیل می‌یابد) بنا شده‌اند، که تنها برای یک لحظه وجود دارند و سپس محو می‌شوند. بنابراین اصطلاح ساختار تنها جایگاهی فرعی و انشعابی در نظریه سیستمی لومان دارد. ساختارهای معنادار توسط اسنادهای معنادار اجتماعی تجربه و کنش، تولید و بازتولید می‌شوند. از منظر لومان رویدادهای ارتباطی در مقایسه با ساختارها از نوعی تقدم " وجودشناختی"^۲ برخوردارند. به همین دلیل است که او از نظریه نظام‌های اجتماعی رویداد محور^۳ خود، به عنوان نظریه فراساختارگرایی یاد می‌کند. ساختارها در کنش اجتماعی به عنوان انتظارات معنادار از انتظارات حضور دارند. فراتر از آن انتظارات، ساختاری وجود ندارد که بتوانیم در جهان مفروض پدیدارشناختی تجربه کنیم. به این پرسش که آیا ساختارها در طول زمان ثابت هستند و یا اینکه تا چه اندازه بر جامعه منطبق می‌شوند، نمی‌توان پاسخی نظری داد؛ بلکه می‌بایست به طور تجربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نیکلاس لومان، پدیدارشناسی، شوتس، پارسونز، معنا

² Ontological

³ Event- based systems

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
 دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۶، صفحات: ۱۷۳-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله داوری نشده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

نیکلاس لومان (۱۹۲۷-۱۹۹۸) جامعه‌شناس آلمانی بود که نظریه سیستم‌های اجتماعی‌اش^۴ شهرت جهانی پیدا کرد. تحصیلات او در حقوق بود و در این زمینه دکترا گرفت. لومان زندگی حرفه‌ای‌اش را در حوزه مدیریت دولتی آغاز کرد و در ادامه در بیله‌فیلد - یکی از جوان‌ترین اردوگاه‌های اصلاح‌طلبی در آلمان در ۱۹۶۸- استاد جامعه‌شناسی شد. دلبستگی لومان به نظریه سیستم‌ها او را به تالکوت پارسونز مرتبط کرد. سابقه آشنایی او با پارسونز به سال‌های ۱۹۶۰ و ۶۱ باز می‌گشت زمانی که او در هاروارد مشغول مطالعه مدیریت دولتی بود. اهمیت دارد که بدانیم فهم لومان از نظام‌های اجتماعی هم‌پوشانی اندکی با مفاهیم پارسونزی دارد. پذیرش نظریه سیستم‌ها در جامعه‌شناسی امریکا از نقد کارکردگرایی در دهه ۱۹۶۰ و بعدها با خوانش هابرماس از لومان تاثیر پذیرفت. در حالیکه نخستین جدل‌ها موجب رد تفکر کارکردگرایانه شد، هابرماس به نحو غیر منصفانه‌ای نظریه اجتماعی لومان را در سطح ابزاری ویژه که فقط برای تحلیل کارکردی خرده‌سیستم‌های جامعه مناسب است، کاهش داد (در مقایسه با چیزی که هابرماس آن را زیست جهان^۵ می‌نامید). او کوشش لومان را برای ایجاد یک نظریه اجتماعی که ادامه جامعه‌شناسی پدیدارشناختی شوتز است (۱۹۳۲) نادیده گرفت.

دو دسته استدلال وجود دارد که تبیین‌کننده ارتباط لومان با پارسونز و شوتز است. نخستین بحث‌ها به جایگاه نظریه و روش‌شناختی "معنا"^۶ و "فهم"^۷ و دومی به مساله "میان ذهنی"^۸ مربوط می‌شود. هر چند هم پارسونز

^۴ Theory of social systems

^۵ Life-worlds

^۶ Meaning

^۷ Understanding

^۸ Intersubjectivity

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
 دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۶، صفحات: ۱۷۳-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله داوری نشده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

و هم شوتز ادعا داشتند که این چشم‌انداز کنش‌گر است که می‌بایست پژوهش جامعه‌شناختی را هدایت کند، با این حال شوتز با این استدلال که نظریه پارسونز صرفاً متوجه معناست آنرا به چالش کشید (شوتز و پارسونز، ۱۹۷۷: ۵۷ff). جامعه‌شناسی پدیدار شناختی و روایت تفسیری آن در مقابل کارکردگرایی ساختاری قرار گرفت که هدف تبیین‌های جامعه‌شناختی را دستیابی به کفایت معنایی^۹ می‌داند. کمتر به این واقعیت توجه شده که لومان در مجادله پارسونز و شوتز آشکارا جانب شوتز را گرفته است و کوشیده نظریه‌ای ارایه دهد که به جامعه‌شناسی تفسیری^{۱۰} در راه مشاهدات تعمیم‌پذیر جامعه مدرن کمک کند.

لومان تردیدی نداشت که نظریه‌های جامعه‌شناختی به نحو اجتناب‌ناپذیری منجر به نوعی از خودبیگانگی از تجلیات معنادار سطح اول^{۱۱} می‌شود. زیرا در کار پژوهشی، انگیزه‌های فردی را می‌بایست ذیل مقولات عام‌تری آورد تا بتوانند بخشی از تبیین‌های جامعه‌شناسی به حساب آیند. در حالیکه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی به کارگیری مفهوم پروبلماتیک نمونه آرمانی وبر را ادامه می‌دادند، لومان (1990: 53ff) اعتقاد داشت که تفسیر کنش به عنوان یک رابطه وسیله-هدف‌نگر بیش از آن ویژه و گزینش شده و دور از رفتار انسان است که بتواند سازنده یک ابزار تحلیلی بنیادی باشد. بی‌تردید روابط علی میان ابزارها و هدف‌ها شواهدی در اختیار مشاهده‌گر می‌گذارد، اما این شواهد آنقدرها اساسی و بنیادی نیست که شیوه‌های گسترده‌ای که معناها در بستر آن در جهان اجتماعی ظاهر می‌شوند، را بازسازی کنند. در عوض لومان مدل اسنادی^{۱۲} کنش اجتماعی را به گونه‌ای می‌بیند که در حوزه روان‌شناسی اجتماعی به کار برده می‌شود و برای دستیابی به کفایت معنایی و علی در پژوهش‌های جامعه‌شناختی مناسب (از جمله، قابل تعمیم) است. این مدل چهار تیپ طرز رفتار که ناشی از تعامل درونی، در مقابل بیرونی، و تفسیر پایدار در مقابل متغیر است، را می‌سازد. اسنادهای درونی^{۱۳} رفتار هنگامی که کنش به عنوان مثال مبتنی بر توانایی یا کوشش فرد باشد، پدیدار می‌شود. اسنادهای

⁹ Meaningful adequacy

¹⁰ Interpretive sociology

¹¹ Meaningful first-order expressions

¹² Attribution model

¹³ Internal attributions

مجله پهنای درسا ۴ - نسخ فارسی
 د ۲، آبلد ماره، ۲۲۲، صفحات ۱۷۳۲-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله داوری ند انوا تا ل سوپ وهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

بیرونی^{۱۴} به عنوان "تجربه"هایی از جهان به عنوان مثال تاثیرگذاری بخت و اقبال و یا سرنوشت تفسیر می‌شود. بر این اساس کنش اجتماعی یک ابژه مفروض وجودشناختی^{۱۵} و پرسش‌ناپذیر پژوهش‌های جامعه‌شناختی نیست بلکه یک تفسیر دست اول^{۱۶} مبتنی بر اسناد درونی طرز رفتار^{۱۷} است. به همین دلیل است که لومان (۱۹۹۵): (FF ۱۳۷) سطح تحلیل خود را نظام‌های اجتماعی و یا دقیق‌تر بگوییم ارتباطات و تعاملات قرار می‌دهد و نه کنش اجتماعی.

از دیدگاه لومان نظریه سیستمی کمک می‌کند بین سطح ذهنی^{۱۸} از یکسو و سطح اجتماعی از سوی دیگر تمایز قایل شویم. این تمایز شفاف، همانطور که وبر و دورکیم ذکر کرده‌اند، به ما یادآور می‌شود تبیین‌های جامعه‌شناختی بر اساس قوانین اجتماعی‌ای بنا شده‌اند که حاکم بر اسنادات معنا هستند. تفردنگری (فردگرایی روش‌شناختی) ذهنی^{۱۹} ربطی به جامعه‌شناسی ندارد. بنابراین امتیاز به کارگیری نظریه سیستمی بیشتر متدولوژیکی است: نه تنها به دلیل ایجاد یک تمایز شفاف میان سطوح اجتماعی و ذهنی، بلکه همچنین از طریق تجزیه ابژه پیچیده "جامعه" یا همان چیزی که وبر از "روابط اجتماعی" اراده می‌کند، به واحدهای کوچک‌تر مشاهده که لومان آنها را انواعی متفاوت از نظام اجتماعی یعنی: تعامل چهره به چهره، سازمان‌های رسمی و خرده‌سیستم‌های کارکردی جامعه می‌نامد، است. چنین کاربرد نظری‌ای از واژه سیستم هیچ همپوشانی با تعبیر پارسونزی^{۲۰} کنش به مانند یک سیستم"، ندارد.

با این حال راه‌حل لومان برای مساله میان‌ذهنیت را باید در چارچوب مجادله پارسونز و شوتز فهم کرد. از زمان دورکیم جامعه‌شناسی میراث‌دار وظیفه دشوار تبیین امر اجتماعی از طریق امر اجتماعی است. حتی امروزه هم عدم یقین زیادی درباره ایفای این وظیفه وجود دارد به طوری که به نظر نمی‌رسد جامعه‌شناسان مرزبندی شفافی داشته باشند که براساس آن امر اجتماعی را به عنوان امر اجتماعی تشخیص دهند و آن را از امر غیر

¹⁴ External attribution

¹⁵ Ontologically

¹⁶ First-order interpretation

¹⁷ Internal attribution of conduct

¹⁸ Mental level

¹⁹ Mental idiosyncrasies

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
 دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۶، صفحات: ۱۷۳-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله داوری‌ند ده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

اجتماعی جدا سازند. در نگاه نخست تعجب‌آور به نظر می‌رسد که این سنت پدیدارشناسی است که می‌تواند به حل این مشکل کمک کند. بحث شوتز و هوسرل در خصوص میان‌ذهنیت، که متوجه قلمرو خودشمول آگاهی^{۲۰} بود، به این مساله کمک کرد. با این مفهوم پدیدارشناسانه از معنا می‌توان، مساله میان‌ذهنیت را تنها از طریق ارجاع به تیپ‌شناسی اجتماعی که به طور گزینشی منعکس‌کننده معانی ذهنی است، حل کرد. با این حال بر این مبنا نه می‌توان امر اجتماعی را از امر غیراجتماعی تمیز داد و نه سطح بین‌الذهانی را آشکار ساخت.

بر این اساس لومان در مورد این مساله خاص جانب پارسونز را علیه شوتز می‌گیرد و تفسیر پدیدارشناختی دوباره‌ای از تمایز پارسونزی^{۲۱} میان سیستم‌های روانی و اجتماعی قایل می‌شود. هر دو سیستم دو سطح جداگانه از معنا ایجاد می‌کنند. از این رو تمایز میان نظام‌های روانی و اجتماعی - همان‌گونه که در مدل AGIL پارسونز مشاهده می‌شود- به این معنا که آنها جنبه تحلیلی دارند نیست، بلکه جنبه امپریک دارند: لومان (۱۹۹۵: ۱۲) فرض می‌کند که نظام‌های روانی و اجتماعی در دنیای واقعی وجود دارند. هم آگاهی و هم تعامل مبتنی بر معنا هستند، اما هر کدام منطق و پویایی خود را دارند. تنها تعامل و نه آگاهی، سطح مطلوب "میان‌ذهنی" اجتماعی که تبیین‌های جامعه‌شناختی باید بر آن بنا شوند را شکل می‌دهد. این راه حل برای مساله بین‌الذهانی مبارزه میان ترمینولوژی‌های "ذهنی" و "عینی" را منسوخ کرد. این امر پیوند تنگاتنگی دارد با سنت هرمنوتیک عینی و تحلیل بوردیو از عادت‌واره^{۲۲}، به گونه‌ای که در ساختارهای حاکم اجتماعی^{۲۳} وجود داشته است (اشنایدر، ۱۹۹۱).

فهم شدیداً پدیدارشناختی لومان از سیستم‌های معنادار روانی و اجتماعی، مفهوم‌سازی هر دو سطح را به عنوان سیستم‌های خودآفرین^{۲۴} بسته در سطح معنا اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. فروبستگی خودآفرین^{۲۵} تنها به معنا گفته می‌شود و نه به تاثیرات علی^{۲۶} از بیرون. این تمایز منطبق است بر تاکید وبر که به موجب آن باید معنای اسناد

²⁰ Self-contained realm of consciousness

²¹ Parsonian distinction

²² Habitus

²³ Incorporated social rule structures

²⁴ Autopoietically

²⁵ Autopoietic closure

²⁶ Causal influences

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
 دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۶، صفا ۱۷۳-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله در ری نشده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

داده شده به کنش را از دیگر تاثیرات علی بر رفتار برای رسیدن به تحلیل جامعه‌شناختی همه‌جانبه تفکیک کرد. همان‌گونه که لومان (۱۹۹۵: ۱۶۶ و ۱۹۷۳: ۱۹۵) هرگز در مورد تاکید بر این امر خسته نمی‌شد که تعاملات مبتنی بر ارتباطات و سازمان‌ها در برابر شرایط بیرونی (روانی، زیستی، شیمیایی...) و تاثیرات علی باز و گشوده هستند (به عنوان مثال طبقه و توزیع فرصت‌های آموزشی). بر اساس این دیدگاه معنامحور، تمایز بین معنا و تاثیرات علی است که قلمرو تحلیل اصیل جامعه‌شناختی را می‌گشاید.

در عین حال علیت فی‌نفسه ابزار تفسیری کنش اجتماعی است، نه ویژگی عینی انتولوژیک یک جهان مفروض بیرونی. بنابراین علیت در پژوهش‌های جامعه‌شناسی دارای معنایی دوگانه است (لومان، ۱۹۷۰). از یک سو علیت به تاثیرات علی عینی بر کنش اجتماعی که دانشمندان آن را اندازه‌گیری می‌کنند و از سوی دیگر به معنای اسنادات معنادار علی^{۲۷} در یک موقعیت خاص گفته می‌شود. باوجود آنکه انتقادهای گسترده‌ای بر واژه انسداد خودآفرین وارد شده، به ندرت به این نکته توجه شده است که این مقوله با یکی از دستاوردهای عمده بحث‌های نظریه پدیدارشناختی دهه ۱۹۶۰ منطبق است: یعنی نظریه جامعه‌شناسی جهان اجتماعی‌ای را تفسیر می‌کند که معنادار است. معنا به عنوان یک ابزار گزینشی انتظام‌دهنده به تجربه انسانی، تنها مسیر تعامل و برخورد جامعه‌شناسی با جهان اجتماعی است.

برداشت لومان از فهم متأثر از شوتز است که علیه روش‌شناسی وبر موضع‌گیری کرد. مبنای تقابل شوتز با وبر آن بود که شوتز مفهوم تیپ ایده‌ال وبر را امتیاز و ویژگی منحصر به دانشمندان علوم اجتماعی نمی‌دانست. زیرا به عقیده او کنش‌گران عادی نیز در زندگی روزمره برای فهم معنای آنچه انجام می‌دهند طرح‌های تفسیری^{۲۸} اعمال می‌کنند. آنها دریافت‌های بی‌شماری برای پاسخ‌گویی به یکدیگر دارند، اما نمی‌توانند دانش ضمنی ذخیره شده^{۲۹} را در قالب نظریه برای مشاهده‌کننده تبیین کنند. لومان این ایده را در مفهومی که از ارتباطات (تعاملات) ساخت، ادغام کرد. او دست به انتزاع از چشم‌اندازها و جهت‌گیری‌های کنشگران نمی‌زند، بر عکس او بر فهم عملی دست اول به عنوان ابژه جامعه‌شناسی تاکید می‌ورزد. براین اساس ارتباطات از سه عنصر درهم

²⁷ Meaningful casual attributions

²⁸ Interpretive schemes

²⁹ Inherent knowledge stocks

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
 دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۶، صفحات: ۱۷۳-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله داوری نشده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

تنیده تشکیل شده - اظهار^{۳۰}، اطلاعات^{۳۱} و تفهم^{۳۲}. معنای رفتار از کنش ارتباطی تفهم که به دنبال ظهور و تجلی اطلاعات^{۳۳} کنش گر بروز می کند، ساخته شده است (لومان، ۱۹۹۵: ۱۳۹ff). فهم گزینشی سازنده قواعد معنادار اجتماعی است که به کنش گر کمک می کند درباره انتظاراتش از جهان اجتماعی به یقین برسد. لومان معنا را با رویکرد پدیدارشناختی تعریف می کند و بر این اساس آن را یک ابزار گزینش می داند. همان گونه که اخیرا اشاره شد تاکید لومان بر ویژگی گزینشی فهم، نشانگر شباهت حیرت آور آن با ارایه مدل های انتظار - ارزش^{۳۴} است که هدفش پیش بینی رفتار انسان در پژوهش های اجتماعی است.

فرمول بندی لومان برای گزاردن بنیاد تحلیل جامعه شناختی بر اسنادات تعاملی و ارتباطی، راه را برای تعمیم های نظری و تجربی باز کرد. او سه پیش فرض بنیادی در خصوص توزیع تجربی تفاسیر عملی دست اول رفتار ارایه کرد: نخست در فرایند تکامل اجتماعی^{۳۵} یک روند کلی در جهت اسنادات بیشتر درونی وجود دارد، به طوری که امروزه حتی بیشتر جامعه شناسان معتقدند این خیلی طبیعی است که "کنش اجتماعی" را ابژه بی-گفتگوی تحقیق فرض کنیم. دلیل آن آشکار است: در تفکر مدرنیته، ما به نحو روزافزونی عادت داریم انسان ها را به عنوان شکل دهندگان جهان بنگریم. به ویژه سازمان های رسمی براساس این پیش فرض بنا شده اند که هر نوع رفتار را می توان به عنوان تصمیم تعریف کرد، به طوری که انسان ها را مسئول آن رفتارها در نظر گرفت. هر نوع عامل علی و فشاری که رفتار ما متحمل می شود، روند بنیادی بر این پیش فرض استوار است که در دوران معاصر، جهان اجتماعی توسط کنش انسانی ساخته می شود. اسنادات به طبیعت و خدا به طور کامل محو نخواهد شد، اما نیاز به یک بستر ویژه اجتماعی دارد که از حمایت بسیار برخوردار شود.

اشتباه است اگر بپذیریم که تمام کنش گران عملا می توانند جهان را موافق تمایلات خود در شرایطی که از درون به آنها اسناد داده می شود، شکل دهند. لومان همواره در خصوص شی شدن اراده گرایانه^{۳۶} بدبین بود. اسناد

³⁰ utterance

³¹ information

³² understanding

³³ Utterance of information

³⁴ Expectancy - value model

³⁵ Social evolution

³⁶ Voluntaristic reification

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
 دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۶، صفحات: ۱۷۳-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله داوری نشده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

درونی معنا به عنوان کنش مسئولانه صرفاً یک شیوه مناسب تفسیر جهان اجتماعی است. بنابراین وجود آزادی نشانه عدم وجود فشار علی بر رفتار و یا پدیدار شدن غایی اراده‌گرایی در جهان اجتماعی نیست. برعکس لومان آزادی را صرفاً یک عامل ربط‌دهنده این روند عمومی به سمت پراکسیس اسناد درونی می‌داند. اینکه ما خود را "انسان‌های آزاد" توصیف می‌کنیم، بازتاب ساختار اجتماعی است و نه ظهور و بروز آزادی انسانی از تاثیرات بیرونی. بحث جدید در مورد فردی شدن، صرفاً منعکس‌کننده گام تازه‌ای در این مسیر است. به نظر می‌رسد این گام به ویژه با نقش زنان که به نحو روزافزونی به جهان آموزش و جهان سازمان‌های شغلی می‌پیوندند، مربوط باشد.

دوم اینکه در مدرنیته تفسیر طرز رفتار به بستر و متن واسطه مبادله بستگی دارد. به عنوان مثال رفتاری که به "حقیقت" متوسل شده و حقیقت را ملاک خود قرار می‌دهد، منجر به اسنادات بیرونی، همچون تجربه، برای خود و دیگری می‌شود. ما بر آن هستیم که حقیقت می‌بایست توسط دانشمندان بنیاد نهاده شود، نه از طریق کنش اجتماعی تولید گردد. در بحث‌های علمی ما آشکارا شواهد و داده‌های نقض‌کننده یا رقیب حقیقت^{۳۷} را به بحث می‌گذاریم. ضمن اینکه ما به طور کاملاً طبیعی پذیرفته‌ایم که استدلال‌های مفاهیم رقیب ناشی از دوست نداشتن و یا تنفرمان از یکدیگر نیست؛ بلکه این باور ماست که رقیب نتوانسته به یک شاهد یا مصداق بیرونی از حقیقت برسد. در مقایسه با آن رفتار، در حوزه کارکردی "قدرت" ملاکی برای تفسیر کنش است که هم برای خود و هم برای دیگری مورد استناد قرار می‌گیرد. زیرا هدف از تعاملات سیاسی (و رفتار سازمانی به طور اعم) رسیدن به تصمیمات منسجم جمعی و گروهی^{۳۸} است، که به عنوان کنش، هدفش تصمیم‌گیری و تعیین شیوه-های کنش شهروندان و اعضای سازمان است (لومان ۱۹۹۷: ۳۳۱-۲).

سوم همان طور که لومان در یک پژوهش گسترده در آلمان در بخش خدمات دولتی نشان می‌دهد (۱۹۷۳)، ترجیحات اسنادی^{۳۹} و "سبک پاسخ‌ها" براساس جایگاه فرد در سلسله مراتب سازمان‌ها و بنابراین براساس ویژگی‌های طبقاتی توزیع شده است. لومان در این تحقیق با کارکنان دولت این پرسش را مطرح کرد که آنان

³⁷ Competing accounts of truth

³⁸ Collectively binding decisions

³⁹ Attribution preferences

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
 دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۶، صفحات: ۱۷۳-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله اوری نشده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

پیشرفت و موفقیت یا عدم موفقیت خود و همکاران‌شان را در چه دلایلی می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان به بیان تخصصی‌تر می‌بایست دلایل موفقیت را بر اساس برداشت خود طبق مدل اسنادی هایدلر^{۴۰} علامت بزنند. نتایج کلی این مطالعه نشان داد کارکنان تمایل دارند که موقعیت شغلی بالاتر، موفقیت‌های شغلی، تحرک صعودی، رضایت شغلی و داشتن نگرش مثبت به سازمان خود را تحت تاثیر اسنادهای درونی بدانند. آن گروه از پاسخگویان که به پایگاه شغلی بالاتر رسیده بودند، اسنادات درونی مسیر شغلی و حرفه‌ای خود را که ناشی از کوشش و توانایی خود است را ترجیح می‌دادند. در مقابل هرچه موقعیت پاسخگو پایین‌تر بود، کارکنان بیشتری تمایل به این تفسیر داشتند که زندگی خود را تحت تاثیر عوامل بیرونی مانند سرنوشت، تقدیر، شانس و عملکرد دیگرانی که کنترل بر آنان نداشتند، بدانند. یعنی تمایلی که اخیراً پژوهش‌های طولی در خصوص تحرک اجتماعی آنرا تایید می‌کند.

لومان احتمالاً برخلاف نتیجه‌گیری پارسونز نتایج این تحقیق را دلیلی بر تایید این دیدگاه که در جامعه مدرن "تلاش فردی موجب تمایز می‌شود" نمی‌دانست. بر عکس لومان ترجیح می‌دهد از این گونه اظهارات هنجاری خودداری کند و قانع شده بود که نتیجه‌گیری‌هایش در پژوهش پیرامون کارکنان دولت در آلمان را دلیلی بر اثبات نظریه اسناد بداند که حدس می‌زند همان‌گونه که نظریه‌های جامعه‌شناختی پیش‌بینی می‌کنند، ترجیحات اسنادی به طور تصادفی در جامعه توزیع نشده‌اند بلکه توزیع آن به گونه‌ای اجتماعاً ساخت یافته است. به دلیل بهره‌گیری استادانه از ترجیحات معنادار "ذهنی" است که وبر از جامعه‌شناسان می‌خواهد قانون‌مندی‌های اجتماعی را با قواعد معنادار تلفیق کنند. از این نقطه نظر هر چه پژوهش‌های میدانی بیشتر از نظریه الهام گرفته باشد مطلوب‌تر است. با اینحال لومان هوادار سرسخت روش گردآوری انبوه داده‌ها نبود و انتخاب او توسعه نظریه تعاملی ارتباطی و نظریه "جامعه" اش بود.

مفهوم ساختار بعد دیگری از نظریه سیستمی لومان بود که کاملاً با سنت پارسونزی در خصوص ساختار تفاوت داشت. حتی امروزه بسیاری از نظریه پردازان اجتماعی، مفهوم سیستم و ساختار را در یک معنا به کار می‌برند. نظریه سیستمی پارسونز در ارتباط است با ساختارها و کارکردهایی که برای بقای سیستم ضروری است.

⁴⁰ Heider attribution model

مجله ج نی رسا ۴ - نسخ فارسی
 د ۲۲ ماره ۲۰۲۲، یی بیپاپ ۲۲ هـ و ۲-۱۷-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله داوری نشده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

سیستم‌ها عبارتند از روابط پایدار میان عناصر سیستمی در یک وابستگی کارکردی متقابل. از این دیدگاه ساختارها تضمین‌کننده نظم جهان اجتماعی و حفظ منافع و ضرورت‌های ابتدایی و بنیادی جامعه‌شناختی هستند.

در نظریه سیستمی لومان موضع‌گیری کاملاً متفاوتی اتخاذ شده؛ زیرا در آن به مفهوم ساختار اهمیت داده نشده و سیستم‌های اجتماعی، سیستم‌های معنادار تعاملی^{۴۱} تعریف شده‌اند. از دیدگاه لومان سیستم‌های اجتماعی بر ساختارها بنا نشده‌اند، بلکه بر عناصر تعاملی و ارتباطی رویداد-محور (معمولاً به "کنش" تقلیل می‌یابد) بنا شده‌اند، که تنها برای یک لحظه وجود دارند و سپس محو می‌شوند. بنابراین اصطلاح ساختار تنها جایگاهی فرعی و انشعابی در نظریه سیستمی لومان دارد (۱۹۹۵: ۲۷۸). ساختارهای معنادار توسط اسنادهای معنادار اجتماعی تجربه و کنش، تولید و بازتولید می‌شوند. از منظر فهم لومان از سیستم‌های اجتماعی، رویدادهای ارتباطی در مقایسه با ساختارها از نوعی تقدم "وجودشناختی"^{۴۲} برخوردارند. به همین دلیل است که او از نظریه نظام‌های اجتماعی رویداد محور^{۴۳} خود، به عنوان نظریه فراساختارگرایی یاد می‌کند. ساختارها در کنش اجتماعی به عنوان انتظارات معنادار از انتظارات حضور دارند. فراتر از آن انتظارات، ساختاری وجود ندارد که بتوانیم در جهان مفروض پدیدارشناختی تجربه کنیم. به این پرسش که آیا ساختارها در طول زمان ثابت هستند و یا اینکه تا چه اندازه بر جامعه منطبق می‌شوند، نمی‌توان پاسخی نظری داد؛ بلکه می‌بایست به طور تجربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. هیچ دلیلی وجود ندارد که برخی از انتظارات قانونمند نباید از میزان بالایی از تعمیم اجتماعی شتابان برخوردار باشند و برخی دیگر دستخوش تغییرات اجتماعی سریع شوند. برای نظریه اجتماعی، این مهم است که در مورد این موضوع در شکل کلی‌اش تصمیم‌گیری نکند یا، همان‌گونه که پارسونز انجام داد، به طور واقعیت‌ستیزانه^{۴۴} بر این باور نبود که باید ساختارهای تعمیم‌یافته بیشتری وجود داشته باشند اگر جامعه مدرن هر دم تفکیک‌یافته‌تر و تفکیک‌یافته‌تر شود. در عوض لومان در مقایسه با پارسونز در پی آن بود مقولاتی را ارائه

⁴¹ Meaningful systems of communication

⁴² Ontological

⁴³ Event- based systems

⁴⁴ contrafactually

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
 دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۶، صفحات: ۱۷۳-۱۸۵
 منتشر شده در پاییز و زمستان ۲۲
 مقاله دانشجویی (این مقاله داوری نشده و فاقد امتیاز علمی پژوهشی است)
 تاریخ دریافت: ۱۱۱۱/۰۰/۶۶
 تاریخ پذیرش: ۲۲۲۲/۳/۰۰

کند که برای پژوهش‌های گسترده جزءنگرانه و پردامنه‌تر تجربی مناسب باشد. لومان در مقایسه با پارسونز (۱۹۹۵: ff ۷۵) بر این باور بود که جوامع (ملی) نه این‌گونه هستند و نه نیازی هست که الزاما براساس توافق‌های ارزشی پایدار بنا شوند. برعکس جهان اجتماعی امروز تنها به عنوان جامعه‌ای جهانی می‌تواند درک و فهم شود، که می‌بایست با مساله عدم تجانس و استثنانگرایی گسترده و ریسک‌های زیست محیطی‌ای که هرگز به شیوه فعلی بازشناخته نشده بود، مواجهه شود. بنابراین نظریه جامعه‌شناختی نمی‌تواند به طور هنجاری توجیه کننده و تضمین کننده تداوم نظم اجتماعی باشد. این رویکرد، نظریه اجتماعی لومان را بی‌اندازه برای فهم زمانه ما از منظر بی‌نظمی‌های نوین جهانی مناسب می‌گرداند.

لومان بر خلاف رویکرد ساختارگرایی نوین که به عنوان جریان اصلی در پژوهش‌های تجربی جامعه‌شناختی حضور دارد، همراه با وبر و شوتز بر ویژگی معنادار بودن ساختارها در جهان اجتماعی تاکید می‌کند. از این رو طرح‌های تفسیری، ابژه اولیه پژوهش‌های جامعه‌شناختی است. با این حال این نوع از پژوهش‌های بازساختی^{۴۵} در چارچوب سنت اسناد اجتماعی تا کنون عمدتا در حوزه روانشناسی شناختی انجام گرفته است. متاسفانه نظریه لومان (۱۹۸۲) در خصوص تفکیک اجتماعی مشهورترین بخش آثار او در جامعه‌شناسی انگلوساکسن است. او به مراتب بیشتر از پارسونز تفکیک کارکردی^{۴۶} را ویژگی بنیادی جامعه می‌داند. برخی از پژوهش‌گران نظریه لومان در خصوص مدرنیته و رویکرد شدیداً خاضعانه او به تفکیک کارکردی را نگاهی یک بعدی می‌دانند. لومان بویژه علاقه‌ای به قشربندی طبقاتی، نابرابری و تحرک بین‌نسلی نداشت. او در مورد اینکه هنوز نابرابری‌های گسترده‌ای در جوامع مدرن وجود دارد، بحث و نقدی نکرد؛ زیرا از دیدگاه لومان (۱۹۹۷: ii ۱۰۵۵) قشربندی اجتماعی به دشواری می‌توانست در ارایه یک نظریه عام در مورد مدرنیته مفید فایده باشد.

⁴⁵ Reconstructive research

⁴⁶ Functional differentiation